



University of Tehran Press

Organizational Culture Management

Online ISSN: 2423-6934

Home Page: <https://jomc@ut.ac.ir>

Challenges of Social Participation in Organizations

Mahdieh Arab¹ | Shirkooch Mohammadi^{2*} | Ali Akbar Amin Bidakhti³

1. Department of Educational Management, Department of Educational Management, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran. Email: sh.mohammadi@semnan.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Educational Management, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran. Email: mahdiy_e_arab@semnan.ac.ir
3. Department of Educational Management, Department of Educational Management, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran. Email: a.aminbeidokhti@semnan.ac.ir

ARTICLE INFO	ABSTRACT
Article type: Research Article Received 04 October 2024 Revised 04 March 2025 Accepted 05 March 2025 Published online 28 August 2025 Keywords: Social participation, Popular participation, Challenges of participation, Criticizing social democracy, Parents' involvement in school.	Purpose: The increase in people's participation in institutional and organizational mechanisms has become a popular trend in public administration. At the same time, what is left unsaid in this trend is the challenges of people's participation, in which they seek to impose their interests by putting pressure on the organization's members. The present research aimed to explore the teachers' experiences of exerting parental pressure to impose their interests on teachers in public schools. Research method: A qualitative approach and interpretive phenomenology were used to achieve this purpose. The research participants were all teachers in public schools in Semnan who had experienced pressure from parents. By using purposeful snowball sampling and relying on theoretical data saturation, sixteen of them were selected as the sample. A semi-structured interview was used to collect data. Findings: The findings of the research showed that parents use the tactics of creating tension and conflict, using threats, networking, temporary alliances, and promoting false news and rumors to pursue their interests. Conclusion: These findings implicitly indicated that people's pressure in organizational mechanisms is non-institutional in that they exert pressure on organization members in an unorganized and chaotic manner. The weakness of civil institutions on the one hand and the dominant narrative of academic textbooks, which always presents a narrative far from the tension of organizations on the other hand, has caused to ignore the challenges of participation in research and public policy issues.

Cite this article: Arab, M.; Mohammadi, Sh. & Amin Bidakhti, A. A. (2025). Challenges of Social Participation in Organizations. *Organizational Culture Management*, 23 (3), 347-358. <http://doi.org/10.22059/jomc.2025.383209.1008713>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jomc.2025.383209.1008713>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

مدیریت فرهنگ سازمانی

سایت نشریه: <https://jomc.ut.ac.ir>

شاپا الکترونیکی: ۶۹۳۴-۲۴۲۳

چالش‌های مشارکت اجتماعی در سازمان‌ها

مهدیه عرب^۱ | شیرکوه محمدی^{۲*} | علی اکبر امین‌بیدختی^۳

۱. گروه مدیریت آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. رایانامه: sh.mohammadi@semnan.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. رایانامه: sh.mohammadi@semnan.ac.ir

۳. گروه مدیریت آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. رایانامه: a.aminbeidokhti@semnan.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶

کلیدواژه:

چالش‌های مشارکت،

دخالت‌های والدین در مدرسه،

در انتقاد از دموکراسی اجتماعی،

مشارکت اجتماعی،

مشارکت مردمی.

هدف: چند صبا‌چی است که افزایش مشارکت مردمی در جریان‌های نهادی و سازمانی به موجی گسترده تبدیل شده است. اما آنچه در این موج ناگفته مانده چالش‌های مشارکت است که مردم با اعمال فشار بر اعضای سازمان در پی تحمیل خواسته‌های خود هستند. هدف از پژوهش حاضر واکاوی تجربه معلمان از شیوه‌های اعمال فشار والدین برای تحمیل خواسته‌هایشان بود.

روش پژوهش: برای دستیابی به این هدف از رویکرد کیفی و پدیدارشناسی تفسیری استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش آن دسته از معلمان مدارس ابتدایی در شهر سمنان بودند که اعمال فشار توسط والدین را تجربه کرده بودند. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند گلوله برفی و با تکیه بر اشباع نظری داده‌ها ۱۶ نفر از آن‌ها به عنوان اعضای نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد والدین برای پیگیری و تعقیب خواسته‌های خود و اعمال فشار بر والدین از تاکتیک‌های ایجاد تنش و درگیری، استفاده از تهدید، شبکه‌سازی، ائتلاف موقت، و ترویج اخبار کذب و شایعه استفاده می‌کنند.

نتیجه: این یافته‌ها به صورت ضمنی نشان از آن داشتند که فشارهای مردم برای دخالت در سازکارهای سازمانی فشاری غیرنهادی است که مردم به صورت بی‌سازمان و هرج‌ومرج‌گونه به اعمال فشار بر اعضای سازمان می‌پردازند. ضعف نهادهای مدنی و روایت حاکم بر صنعت چاپ، که همواره روایتی به دور از تنش از سازمان‌ها ارائه می‌کند، سبب شده چالش‌های مشارکت نادیده انگاشته شود.

استناد: عرب، مهدیه؛ محمدی، شیرکوه؛ امین‌بیدختی، علی اکبر (۱۴۰۴). چالش‌های مشارکت اجتماعی در سازمان‌ها. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۲۳ (۳) ۳۴۷-۳۵۸.
<http://doi.org/10.22059/jomc.2025.383209.1008713>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jomc.2025.383209.1008713>



مقدمه

در گذشته چنین تصور می‌شد که هر نهاد و سازمانی برای پاسخگویی به نیاز یا نیازهای خاصی از افراد جامعه تأسیس شده است و آن نهاد یا سازمان باید به‌تنهایی پاسخگوی آن نیاز یا نیازهای خاص باشد. با توسعه دانش سازمانی و اجتماعی، پیش‌فرض‌های این تصور مورد تردید جدی قرار گرفت. زیرا پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که سازمان‌ها به‌تنهایی توان پاسخگویی اثربخش به نیازهای جامعه را ندارند و همواره به مشارکت اجتماعی نیازمند هستند (بیات و پیری، ۱۳۹۹؛ هندیانی و وطن‌خواه، ۱۳۹۹). مشارکت مردمی، حساس‌سازی مردم، و در نهایت افزایش‌پذیر کردن آن‌ها در تصمیم‌گیری و اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها بر اساس تلاش‌های سازمان‌یافته است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵).

در چند دهه اخیر، موج خودجوش مردمی برای افزایش مشارکت در نهادهای اجتماعی افزایش یافته و سیاست‌هایی نیز برای توسعه و تقویت این پدیده تنظیم و تدوین شده‌اند. دوشادوش این سیاست‌ها پژوهش‌های مختلفی نیز به کم‌وکیف مسئله مشارکت مردمی پرداخته و بسیاری از آن‌ها مبادی افزایش مشارکت مردمی در سازکارهای سازمانی بوده‌اند. چنین موج پژوهشی نیز در ایران ایجاد شده است و پژوهشگران مختلف در زمینه‌های مختلف خواهان جلب مشارکت مردمی هستند. برخی از پژوهش‌ها خواهان مشارکت مردمی در امر سیاست بوده‌اند (خوش‌فر و جندقی، ۱۳۹۶)، برخی بر مشارکت مردمی در امر محیط زیست تکیه کرده‌اند (غلامی و همکاران، ۱۳۹۷)، برخی بر لزوم مشارکت مردمی در امر سلامت تأکید داشته‌اند (باهوش و شاهینی‌سوتی، ۱۳۹۷)، برخی نیز به دنبال شناسایی شیوه‌هایی برای جلب مشارکت مردمی در طرح‌های روستایی (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۱) و شهری (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۹۳) بوده‌اند، و بالاخره برخی از پژوهش‌ها نیز در پی یافتن راه‌هایی برای افزایش مشارکت جریان‌های مردمی در امر سواد و تربیت بوده‌اند (محمدی، ۱۴۰۳).

با وجود این، برخی از شواهد نشان از آن دارند که مشارکت مردمی همواره دربردارنده دستاوردهایی مثبت و سازنده نیست؛ بلکه گاهی باعث ایجاد تنش‌هایی نیز می‌شود. مثلاً، در سازکارهای نظام آموزشی شواهدی حاکی از آن بوده‌اند که مشارکت والدین در سازکارهای مدرسه پی‌آمدهایی منفی و مخرب داشته است. این پی‌آمدها زمانی دوچندان می‌شوند که والدین به قدرت خود در اعمال فشار بر مدرسه پی ببرند (Mwasulubuva, 2013). در واقع، والدین می‌کوشند تا از طریق اعمال فشارهایی بر معلمان خواسته‌ها و انتظارات خود را بر آن‌ها تحمیل کنند. این فشار تا بدانجا پیش می‌رود که ممکن است نظام آموزشی از رسالت خویش منحرف شود و بر روحیه همکاری در محیط آموزشی گزند وارد آید (Tobin, 2017).

گفتنی است مشارکت در مدرسه محدود به مشارکت والدین در سازکارهای آموزشی و اداری مدرسه نیست؛ بلکه ذی‌نفعان دیگر- از جمله دانشگاه‌ها، مراکز بهداشت و درمان، نهادهای فرهنگی و ارشاد، نهادهای سیاسی، اقتصادی، و ...- نیز در سازکارهای مدرسه مشارکت می‌کنند. اما از آنجا که دیگر ذی‌نفعان با هدف موجودیتی نهادی به مشارکت می‌پردازند ماهیت مشارکت آن‌ها با مشارکت والدین به‌کلی متفاوت است. زیرا دیگر ذی‌نفعان از طریق سازکاری اداری و رسمی و همچنین با استفاده از چانه‌زنی برای تدوین آیین‌نامه‌هایی برای جلب خواسته‌های خود در مدرسه مشارکت می‌کنند و قاعداً این آیین‌نامه‌ها توسط سازکارهای اداری مدرسه و با محوریت نقش مدیر مدرسه اجرایی می‌شوند. بدیهی است این ذی‌نفعان ارتباط مستقیم با معلمان ندارند و خواسته‌های خود را از طریق آیین‌نامه‌های مدرسه اعمال می‌کنند. اما والدین از چنین نهاد رسمی و سازمانی برخوردار نیستند و بدان دلیل خواسته‌های خود را به صورت مستقیم بر معلم اعمال می‌کنند. هم بدان دلیل نیز است که در پژوهش‌هایی که به واکاوی چالش‌های مشارکت اجتماعی در مدرسه پرداخته‌اند بر مشارکت والدین تمرکز شده و پی‌آمدهای منفی این مسئله شناسایی و تحلیل شده است.

شناسایی پی‌آمدهای مشارکت والدین در سازکارهای مدرسه کانون توجه برخی از پژوهش‌ها بوده است. برخی از این پژوهش‌ها بر مسئله دخالت والدین در سازکارهای آموزشی تمرکز کرده و پی‌آمدهای آن را شناسایی کرده‌اند. در این زمینه، مک‌موهان^۱ و همکارانش (۲۰۱۷) نشان داده‌اند دخالت‌های والدین در سازکارهای آموزشی به تخریب روحیه همکاری و اعتماد بین مدرسه و والدین می‌انجامد. برخی از پژوهش‌ها نیز به کارشکنی‌های والدین در سیاست‌گذاری‌های مدرسه‌ای پرداخته‌اند.

مثلاً، دب^۱ و همکارانش (۲۰۱۵) نشان داده‌اند که چنین کارشکنی‌هایی به بروز تضاد و ناهماهنگی در محیط آموزشی می‌انجامد. برخی دیگر نیز به مسئله انتشار شایعات و انتقادهای عمومی در مورد مدرسه از طریق شبکه‌های اجتماعی و دیدارهای گروهی پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که چنین شایعه‌پراکنی‌هایی منجر به بی‌اعتمادی مردم نسبت به مدرسه می‌شود (Skirou & Papakonstantinou, 2023). برخی نیز به پی‌آمدهای مدیریتی و مالی دخالت والدین در سازکارهای مدرسه پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که اتحاد و ائتلاف والدین با یک‌دیگر به منفعل شدن سیستم مدیریتی مدرسه می‌انجامد (Kelchtermans & Vanassche, 2017).

با نگاهی به این پژوهش‌ها درمی‌یابیم که برخی از پژوهشگران سازمانی به تقدیس‌زدایی مردم، در این پژوهش والدین، و مشارکت آن‌ها پرداخته‌اند. در واقع، آن‌ها یادآور شده‌اند که مشارکت مردمی نیز ممکن است همیشه جریانی سازنده و مثبت و خیر مطلق نباشد؛ بلکه دربردارنده جنبه‌های تاریک و شوم نیز باشد که لازم است شناسایی و کنترل شود. به دیگر سخن، مشارکت مردمی در سازکارهای اجتماعی و سازمانی، اگرچه سودمند و انسانی است، ستایش بی‌قیدوشرط آن می‌تواند آسیب‌زا باشد. گویی مشارکت اجتماعی نیازمند زمینه‌ها و شرایطی است که تا چنین شرایطی فراهم نباشد چه بسا چنین مشارکتی به هرج‌ومرج بینجامد.

با وجود اهمیت تقدیس‌زدایی از مشارکت مردمی، پژوهش‌های داخلی کماکان تصویری آرمان‌گونه و ایده‌آل از مردم و والدین و مشارکت آن‌ها در سازکارهای سازمانی ارائه کرده‌اند. برخی از پژوهش‌ها همچنان به ضروری و مهم بودن مسئله مشارکت در مدرسه و به دفاع بی‌کم‌وکاست از آن پرداخته‌اند (مثلاً پژوهش‌های قادرزاده و رستمی، ۱۴۰۱؛ محمدی‌پویا و همکاران، ۱۳۹۹؛ نوروزنژاد قادری و همکاران، ۱۳۹۸؛ جمالی و همکاران، ۱۳۹۷). برخی نیز پا را از این فراتر گذاشته و والدین را قشر ضربه‌پذیر معرفی کرده و به شناسایی سازکارهای اعمال قدرت مدرسه بر والدین پرداخته‌اند. اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به نقشی که والدین می‌توانند در اعمال فشار بر مدرسه و کارکنان آن ایجاد کنند نپرداخته‌اند.

شاید پرسش بنیادینی که بتوان مطرح کرد این باشد که چه مرز روشنی بین مشارکت سازنده و مشارکت مخرب یا دخالت وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش باید اندکی به روشنگری واژه مشارکت اجتماعی پرداخت. مشارکت اجتماعی را سهیم شدن مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سازمانی دانسته‌اند (Baycan & Oner, 2023). بدین سان، مشارکت به صورت تلویحی به معنای در نظر گرفتن خواسته‌های ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک سازمانی است و این به معنای میدان دادن به ذی‌نفعان برای اعمال خواسته‌های خود بر سازمان است (Baycan & Oner, 2023). حال، با نمایاندن مصداق‌های منفی و مخرب مشارکت اجتماعی و همچنین شناسایی الگوی حاکم بر آن می‌توان مرز روشنی بین دخالت و مشارکت سازنده اجتماعی ایجاد کرد. آنچه در پژوهش‌های سازمانی و آموزشی کشورمان نادیده گرفته شده شناسایی تاکتیک‌هایی است که والدین از طریق آن بر معلمان فشار می‌آورند تا خواسته‌های خود را بر آن‌ها تحمیل کنند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر بر آن بود تا با استفاده از رویکرد ژرف کیفی و با تکیه بر پدیدارشناسی تجربه‌های معلمان پرده از این فشارها بردارد و تصویر روشنی از واقعیت‌های سازمانی مدرسه ارائه کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر آن بود تا تجربه‌های معلمان از روش‌ها و تاکتیک‌های اعمال فشار والدین را کشف کند. برای دستیابی به این هدف از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی تفسیری استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل آن دسته از معلمان مدارس ابتدایی شهر سمنان بودند که با والدین دانش‌آموزان برخورد مستقیم داشته و دارای تجربه‌هایی از اعمال فشار والدین بر خود بوده‌اند. در واقع، تنها معلم‌هایی از مدارس ابتدایی شهر سمنان انتخاب شدند که در زندگی حرفه‌ای خود بارها با این مسئله روبه‌رو شده باشند که والدینی برای اعمال خواسته‌های خود به آن‌ها مراجعه کرده و آن‌ها را با استفاده از مکانیسم‌هایی تحت فشار گذاشته باشد تا خواسته‌های والدین اجرا شوند. برای شناسایی این مشارکت‌کنندگان و واکاوی تجربه‌های آن‌ها از روش

نمونه‌گیری هدفمند گلوله برفی استفاده شد که با تکیه بر اشباع نظری داده‌ها ۱۶ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. از آنجا که جامعه پژوهش ناشناس بودند و اطلاعات صریحی دربارهٔ معلمانی که تجربه‌های فشار داشته‌اند وجود نداشت از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. زیرا روش نمونه‌گیری گلوله برفی برای موقعیت‌هایی که شناختی دربارهٔ اعضای جامعه پژوهش وجود ندارد یا مسئله پژوهش دارای پیچیدگی‌های خاصی است که نمی‌توان در آغاز پژوهش جامعه پژوهش را به روشنی شناسایی کرد استفاده می‌شود (Creswell, 2015: 209). در جدول ۱، ویژگی‌های جمعیت‌شناسی این افراد توصیف شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

جنسیت	مؤنث	۶
	مذکر	۷
سن	۳۵-۲۵ سال	۵
	۴۵-۳۶ سال	۶
	۵۵-۴۶ سال	۲
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۱۰
	دکتری	۳
سابقه کاری	۱۰-۵ سال	۴
	۱۵-۱۰ سال	۷
	۲۰-۱۵ سال	۲

برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته استفاده شد. روایت‌های مصاحبه‌شوندگان در جریان جلسه ضبط می‌شد و هم‌زمان نیز پرسش‌های پی‌گیرانه توسط پژوهشگر مطرح می‌شد. برای اعتباریابی داده‌های پژوهش از بازخورد مشارکت‌کننده^۱ استفاده شد. بدین صورت که پژوهشگر هر برداشتی را که از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش داشت دوباره برای آن‌ها بازگو می‌کرد تا اگر کج‌فهمی و اشتباهی در برداشت پژوهشگر وجود دارد آن را اصلاح کند.

برای تحلیل داده‌های پژوهش از رویکرد تحلیل پدیدارشناسانه کرسول (۲۰۰۷) استفاده شد که بر اساس این رویکرد نخست ۸۵ گزاره معنی‌دار^۲ از مصاحبه‌ها شناسایی و استخراج شدند. سپس فرایند کاهش و تلخیص^۳ این گزاره‌ها در واحدهای معنایی آغاز شد. فرایند کاهش و تلخیص تا بدانجا ادامه یافت که اشباع صورت گرفت. بدان معنی که امکان تلخیص و کاهش بیشتر داده‌ها وجود نداشت. در این مرحله، ۵ واحد معنایی^۴ شناسایی شد و آن ۵ واحد معنایی نیز در زیرمجموعه یک تم^۵ کلی قرار گرفت.

جدول ۲. نمونه‌ای از چگونگی تلخیص و کاهش داده‌ها

نمونه‌هایی از گزاره‌های معنی‌دار	واحد معنایی	تم
تهدید به قطع کمک‌های مالی به مدرسه، تهدید به استفاده از موقعیت سازمانی	استفاده از تهدید	فشارهای
و سیاسی خود برای تنبه مدرسه، ارسال پیام‌های تهدیدآمیز برای معلمان		غیر نهادی

در ادامه، توصیف روایت‌گونه این داده‌ها ارائه شده است.

یافته‌ها

مشارکت‌کنندگان در پژوهش همگی معلمانی بودند که دارای تجربه‌های مشترکی از اعمال فشار والدین برای تحمیل خواسته‌هایشان بودند. در این پژوهش از آن‌ها خواسته شد تا بدون محدود کردن دیدگاه‌های خویش به بازنمایی تجربه‌های خود

1. member checking
2. meaningful statements
3. bracketing
4. semantic units
5. theme

از شیوه‌های اعمال فشار والدین بر آن‌ها بپردازند. تحلیل دقیق این تجربه‌ها بر گزاره‌ها، معناها، و تم‌هایی استوار بود که در جدول ۳ معرفی شده‌اند.

جدول ۳. یافته‌های پژوهش: گزاره‌ها، معناها، تم پژوهش

نمونه‌هایی از گزاره‌های معنی‌دار	واحد‌های معنایی	تم
پرخاشگری، فحاشی، فحش دادن به معلم	ایجاد تنش و درگیری	فشارهای غیرنهادی
تهدید به قطع کمک‌های مالی به مدرسه، تهدید به استفاده از موقعیت سازمانی و سیاسی خود برای تنبیه مدرسه، ارسال پیام‌های تهدیدآمیز برای معلمان	استفاده از تهدید	
لابی‌گری با مقامات مدرسه، هم‌دست شدن با مدیر مدرسه، فشار از طریق کانال اداری، دوست شدن با مقامات مدرسه، ارتباط صمیمی با کادر آموزشی	شبکه‌سازی	
هماهنگ شدن با چند والد دیگر، تحریک سایر والدین برای اعتراض به معلم، ائتلاف کردن و اعتراضات دسته‌جمعی علیه معلم	ائتلاف موقت والدین	
ارائه گزارش نادرست، اخبار کذب، پخش شایعه، اتهام کم‌کاری به معلم، افترای تبعیض به معلم	ترویج اخبار کذب و شایعات	

فشارهای غیرنهادی

یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها حاکی از آن است که والدین روش‌های مختلفی برای اعمال فشار بر معلمان در پیش می‌گیرند و در زمینه‌های مختلف کار معلم دخالت می‌کنند که شامل شیوه‌های تدریس و آموزش، ارزشیابی، طرح و برنامه‌داری، مدیریت کلاس، و ... است. با وجود این، اگرچه شیوه‌های مختلف و متنوعی توسط والدین برای اعمال فشار به کار گرفته می‌شوند، تمامی این شیوه‌ها به صورت غیرنهادی بر مدرسه و معلمان تحمیل می‌شوند. منظور آن است که والدین بدون عضویت و تعهد به هیچ نهاد، حزب، انجمن، یا ائتلاف پایداری به مداخله در امور مدرسه می‌پردازند. این در حالی است که فشار نهادی از طریق نهاد خاصی مانند سازمان مردم‌نهاد بر مدرسه اعمال می‌شود که در این صورت خواسته‌های صرفاً شخصی و سوداگرانه تسویه یا حک و اصلاح می‌شوند و سپس تنها خواسته‌های جمعی و مشترک اعضای آن نهاد به مدرسه ارائه می‌شود. در فشار نهادی، معلمان و دیگر اعضای یک مدرسه با نمایندگانی از صفوف مردم روبه‌رو هستند که به میانجی‌گری مردم و مدرسه می‌پردازند. اما واکاوی تجربه مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر نشان از آن دارد که فشار بر مدرسه به صورت شخصی از طرف والدین اعمال می‌شود. آن والد نماینده والدین دیگر یا دیگر صفوف نیست؛ اگر هم والدین با هم هم‌نظر و هم‌پیمان می‌شوند تنها ائتلافی موقت تشکیل می‌دهند و پس از حل مسئله آن ائتلاف از هم می‌پاشد. واحد‌های معنایی این تم در ادامه معرفی می‌شوند.

ایجاد تنش و درگیری

داده‌های برآمده از مصاحبه‌ها حاکی از آن است که یکی از اهرم‌های فشاری که والدین با توسل به آن خواسته‌های خود را بر معلمان تحمیل می‌کنند ایجاد تنش و درگیری در فضای مدرسه است. برخی از مصاحبه‌شوندگان از اعمال فشار والدین از طریق پرخاشگری صحبت کرده‌اند. مثلاً، مصاحبه‌شونده ۳ چنین دیدگاهی ارائه کرده است:

برخی والدین کنترلی بر رفتار خود ندارند و با تکبر بسیار شروع به پرخاشگری می‌کنند و بر سر معلم فریاد می‌زنند.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر بر این باورند که چنین رفتارهای پرخاشگرانه‌ای صرفاً نشان از عدم کنترل والدین بر رفتار خود نیست؛ بلکه آن را شیوه‌ای برای امتیاز گرفتن از معلمان می‌دانند. مصاحبه‌شونده ۵ چنین دیدگاهی ارائه کرده است:

آن‌ها (والدین) می‌خواهند از این روش (پرخاشگری) استفاده کنند تا از معلمان امتیاز بگیرند... با ایجاد جو پُرتنش آن‌ها فکر می‌کنند که معلم مجبور است برای رفع تنش به خواسته‌های آن‌ها تن دهد.

استفاده از تهدید

یکی دیگر از مکانیسم‌هایی که والدین برای تأثیر بر معلمان در پیش می‌گیرند استفاده از تهدید است. تهدید به شیوه‌های مختلف توسط والدین اعمال می‌شود. یکی از این شیوه‌ها استفاده از تهدید مالی مدیر مدرسه است. برخی از والدین می‌کوشند تا از طریق

تهدید به قطع حمایت‌های مالی از مدرسه مدیر مدرسه را تحت فشار قرار دهند تا خواسته‌های آن‌ها را در پیش بگیرند. در این زمینه، مصاحبه‌شونده ۶ از تجربه‌های معلمی خود در این باره می‌گوید:

موقعی که معلم کلاس اول بودم والدین با استفاده از کمک‌های مالی و پرداخت پول بیشتر به مدرسه برای مشارکت در هزینه‌ها سعی می‌کردند تا نظر مدیر مدرسه را به خود جلب کنند تا آزادی عمل بیشتری داشته باشند؛ مثلاً هر زمان که مایل باشند فرزند خود را به مدرسه نفرستند.

یکی دیگر از شیوه‌های تهدید تهدید معلمان با استفاده از شیوه‌های مختلف است. والدین با تکیه بر این تهدیدها در پی آن هستند تا خواسته‌های خود را بر معلم تحمیل کنند و او را ناچار به پذیرفتن خواسته‌هایشان کنند. مصاحبه‌شونده ۱۱ از تجربه‌های خود در این باره پرده برمی‌دارد:

برخی والدین پیام‌های تهدیدآمیز و توهین‌آمیز در شبکه‌های اجتماعی مانند واتساپ، تلگرام، یا ایتا ارسال می‌کنند.... آن‌ها قصدشان از این تهدیدها این است که بالاخره من معلم به ساز آن‌ها برقصم و تقاضاهای غیرمنطقی آن‌ها را اجرا کنم. برخی از والدین نیز که دارای جایگاهی سیاسی هستند معلمان را تهدید می‌کنند که از آن جایگاه برای محاکمه و به چالش کشاندن معلم استفاده می‌کنند. تجربه‌های مصاحبه‌شونده ۵ درباره استفاده والدین از این نوع تهدید چنین است: یکی از دانش‌آموزانم پسر نماینده مجلس بود. خانمش همیشه من رو تهدید می‌کرد که ما اگر بخوایم اعمال نفوذ کنیم و از موقعیت خود استفاده کنیم تو را از مدرسه اخراج می‌کنند.... تهدیدهایی از این قبیل جوی پُرتنش برایم درست کرده بود.

شبکه‌سازی

یکی دیگر از شیوه‌هایی که والدین برای اعمال فشار بر معلمان در پیش می‌گیرند ایجاد روابط دوستانه و اجتماعی گسترده با افراد مختلف درون مدرسه یا اداره آموزش و پرورش است تا با تکیه بر آن روابط فشاری دوجندان بر معلم وارد کنند. برخی از معلمان به هم‌دست شدن مدیر با والدین اعتراض دارند و آن را شیوه‌ای از اعمال فشار والدین می‌دانند. مصاحبه‌شونده ۸ از تجربه‌های خود در این باره می‌گوید:

برای اینکه زودتر به اهدافشان برسند از مدیریت مدرسه کمک می‌گیرند و خواسته‌هایشان را برای مدیریت طرح می‌کنند و از این طریق معلم را در مضیقه قرار می‌دهند تا خواسته‌هایشان عملی شود. برخی نیز از روابط دوستانه والدین با برخی از اعضای مدرسه و کادر آموزشی پرده برداشته‌اند و بر این باورند که والدین چنین روابطی را برای اعمال فشار بر دیگر معلمان ایجاد می‌کنند. مصاحبه‌شونده ۱۶ به بازنمایی چنین تجربه‌ای می‌پردازد. والدین از طریق صمیمی شدن با کادر سعی می‌کنند تا در آن‌ها نفوذ پیدا کنند. آن‌ها می‌خواهند عوامل آموزش را از طریق صمیمیت دچار رودربایستی کنند.

برخی از والدین نیز نشان می‌دهند که شبکه‌سازی تنها محدود به کارمندان اداری و مدرسه نیست؛ بلکه در فرایند انتخاب نمایندگان اولیا و مربیان نیز لابی‌گری‌هایی انجام می‌شود و شبکه‌ای از روابط غیررسمی بین والدین برای اعمال فشار شکل می‌گیرد. مصاحبه‌شونده ۵ به توصیف این مکانیسم می‌پردازد. در تعیین انجمن اولیا و مربیان، اولیا فشار زیادی می‌آوردند که فرد مورد نظر خودشان رئیس انجمن باشد و این امر به قدری بالا گرفت که پای کلانتری و پلیس نیز به مدرسه باز شد.

ائتلاف موقت

داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها نشان از آن دارند که یکی از تاکتیک‌هایی که والدین سعی دارند تا با تکیه بر آن بر معلمان اعمال فشار کنند ایجاد ائتلاف موقت است. منظور از ائتلاف ایجاد یک گروه یک‌دست با خواسته‌هایی مشترک برای اعمال نفوذ است. اما داده‌های پژوهش نشان از آن دارد که این ائتلاف به صورت کوتاه‌مدت و موقت شکل می‌گیرد و نمی‌تواند به ائتلافی بلندمدت تبدیل شود. در واقع، هیچ انجمن یا صنف یا نهادی شکل نمی‌گیرد. به هر حال، آن ائتلاف هر چه باشد یکی از شیوه‌های اعمال فشار والدین است که مصاحبه‌شونده‌های مختلفی به روشنگری آن پرداخته‌اند. مصاحبه‌شونده ۱۰ از تجربه خود در این باره داد سخن سر داده است.

آن‌ها (والدین) برای فشار آوردن به معلم با چند والد دیگر هماهنگ می‌شوند و نظر خودشان را غالب می‌کنند... آن‌ها فهمیده‌اند که اگر با هم جمع شوند و کنار هم باشند بیشتر می‌توانند تأثیرگذار باشند.

ترویج اخبار کذب و شایعه

یکی دیگر از شیوه‌هایی که والدین با تکیه بر آن به اعمال فشار بر معلمان می‌پردازند ترویج اخبار کذب و شایعات دربارهٔ اعضای مدرسه، به‌ویژه معلمان، است. واکاوی تجربه‌های معلمان حاکی از آن است که آن‌ها تجربه‌های فراوانی از این شیوه داشته‌اند. برخی از مصاحبه‌شوندگان از اتهام‌های ناروای والدین صحبت کرده‌اند و آن را روشی برای اعمال فشار دانسته‌اند. مصاحبه‌شونده ۶ از چنین اتهاماتی صحبت کرده است:

بعضی والدین با تحت فشار گذاشتن معلم با استفاده از جملاتی مانند فرزندم سال گذشته عملکرد خوبی داشت، فرزندم در این درس مشکلی نداشت و با تدریس شما به این شکل درآمده، یا با گفتن کلماتی چون فرزندم اضطراب و استرس دارد سعی در اعمال فشار بر معلم دارند.

برخی از معلمان نیز از شایعه‌پراکنی و اخبار کذب صحبت کرده‌اند. آن‌ها خاطرنشان کرده‌اند که والدین از طریق اخبار کذب و شایعه‌پراکنی سعی در اعمال فشار بر معلمان دارند. مصاحبه‌شونده ۶ چنین دیدگاهی را مطرح کرده است:

اگر معلم طبق نظرات والدین رفتار نکند اقدام به پخش شایعه، اخبار کذب، و ایراد گرفتن از او می‌کنند.

مصاحبه‌شونده ۱۵ نیز بر این باور است که برخی از والدین پا را از این فراتر گذاشته و با نشر اخبار دروغ و گزارش‌های نادرست به مافوقان سعی می‌کنند معلمان را تحت فشار قرار دهند تا خواسته‌های آن‌ها را اجرا کند:

با توضیحات نادرست و اشتباه به مدیر و معاون سعی می‌کنند از جانب آن‌ها به معلم فشار بیاورند تا خواسته‌هایشان تأمین شود.

بحث و نتیجه

پژوهش حاضر بر آن بود تا به افسون‌زدایی از روایت ایده‌آل از مشارکت اجتماعی بپردازد. در این زمینه، با تمرکز بر تجربه‌های معلمان روایتی متفاوت از مسئله مشارکت مردمی ارائه شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که مردم، در این پژوهش والدین، می‌کوشند تا از طریق تاکتیک‌هایی چون ایجاد تنش و درگیری، استفاده از تهدید، شبکه‌سازی، ائتلاف موقت، و ترویج اخبار کذب و شایعه بر معلمان اعمال فشار کنند و خواسته‌های خود را به آن‌ها تحمیل کنند. چنین رویکردی در پژوهش‌های مختلفی دنبال شده است. برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مشارکت اجتماعی به تعارض سازمانی، احساس تنهایی کارکنان، و پی‌آمدهای نامطلوب دوستی و شبکه‌سازی انجامیده است (Serrat et al., 2021). برخی از پژوهش‌ها نیز تصمیم‌گیری‌های ناکارآمدی که توسط مشارکت مردمی اتخاذ شده‌اند را به باد انتقاد گرفته و نشان داده‌اند که چنین تصمیم‌گیری‌هایی به نتایج نامطلوب انجامیده‌اند (Quandt, 2018; Turnhout et al., 2018). در همین زمینه، ویلانگولا-اولیورز^۱ و کاواچی (۲۰۱۷) پا را از این فراتر گذاشته و برخلاف بسیاری از پژوهش‌های حوزه سلامت، با مرور سیستماتیک حوزه مشارکت، به این نتیجه دست یافته‌اند که سرمایه اجتماعی تأثیری منفی بر سلامتی داشته است و درگیری‌های فزاینده روانی و فیزیکی به کاهش سلامت کنشگران اجتماعی انجامیده است. چچی^۲ (۲۰۲۲) نیز نشان داده است که مشارکت اجتماعی بیشتر از آنکه ابزاری برای رهایی‌بخشی باشد ابزاری برای اعمال قدرت و کنترل بوده است.

پیش‌تر بیان شد که مسئله مشارکت مردمی مسئله‌ای مناقشه‌انگیز است. چون از یک سو موج گسترده‌ای از پژوهش‌ها و سیاست‌های بسیاری از دولت‌ها به دفاع از مشارکت مردمی می‌پردازند و همواره به دنبال افزایش ظرفیت‌های مشارکت هستند و از سوی دیگر برخی از پژوهش‌ها مانند پژوهش حاضر به نقد این مشارکت می‌پردازند و چالش‌های آن را نیز به تصویر می‌کشند. اما چگونه می‌توان چنین تناقضی را تبیین کرد؟ به نظر می‌رسد این تناقض را از دو جنبه مرتبط به هم می‌توان تبیین کرد؛ نخست، ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی و دوم، گفتمان حاکم بر صنعت نشر.

1. Villalonga-Olives

2. Cecchi

از نظر ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی، مشارکت مردمی نیازمند وجود بستری مناسب است و با فراهم بودن آن بستر است که ممکن است بتواند به دستاوردهای خویش برسد و بدون آن ممکن است مشارکت به پی‌آمدهایی منفی و بیمارگونه بینجامد. یکی از بسترهایی که باید فراهم شود تقویت نهادهای مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد است. بدون چنین نهادهایی، مشارکت مردمی شکلی بی‌سازمان و هرج‌ومرج‌گونه به خود می‌گیرد. در این زمینه، یکی از مدافعان دموکراتیزه کردن سازکارهای اجتماعی و سیاسی در دنیای مدرن گیدنز است که او برای چنین دموکراتیزه کردنی همواره از سازمان‌های مردم‌نهاد سخن می‌گوید و بر آن است که تنها با تقویت چنین ظرفیتی است که مردم می‌توانند به صورتی بایسته و کارآمد در سیاست‌های اجتماعی دخالت کنند (Giddens, 2008). در واقع، گیدنز نیز که به دفاع از مشارکت مردمی و دموکراتیزه کردن سیاست می‌پردازد بدین مسئله واقف است که مشارکتی که بی‌سازمان و بدون پشتوانه‌های صنفی و نهادی باشد چه بسا سر از هرج‌ومرج و خودمداری درآورد. این در حالی است که ویلیامز^۱ و همکارانش (۲۰۲۰) نشان داده‌اند برای اثربخشی مشارکت مردمی و دور شدن از گزندهای آن باید بافتی مناسب فراهم شود و مُرادشان از بافت وجود سازمان‌های فعال مردمی است. آنچه در یافته‌های پژوهش حاضر نیز مشهود بود آن بود که مردم به صورت بی‌سازمان و بدون حضور و استفاده از سازمان‌هایی مردم‌نهاد می‌کوشند که خواسته‌های خود را اعمال کنند که در چنین شرایطی مشارکت از حالت سازنده خود به دخالت‌های مخرب تبدیل می‌شود که خود می‌تواند به نتایجی منفی و بیمارگونه بینجامد. در همین زمینه، وینترلین^۲ و همکارانش (۲۰۲۰) نیز نشان داده‌اند که ارتباط مستقیم و بدون سازمان با مشتری به چالش‌های مشارکت می‌انجامد.

ضعفِ صنف‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد به طور کلی و سازمان‌های مردم‌نهاد در سپهر سیاسی و اجتماعی به شکل خاص سبب شده مردم به صورت بی‌سازمان و به صورت فردی و خودمدارانه به دفاع از آنچه حق خود می‌پندارند بپردازند. این در حالی است که طبق آمارهای رسمی از مجموع تمامی کمپین‌ها و مؤسسه‌های مردم‌نهاد تنها سه مؤسسه مردم‌نهاد در استان سمنان فعال‌اند و دارای مجوز رسمی هستند که شامل هلال‌احمر در حوزه خدمات انسانی، مؤسسه خیریه کومش در حوزه سلامت، و مؤسسه خیریه ساقی کوثر در حوزه توسعه اجتماعی هستند.^۳ با وجود چنین وضعی در سازمان‌های مردم‌نهاد، این‌گونه به نظر می‌رسد که توسعه مشارکت مردمی در سازکارهای اجتماعی بیشتر از آنکه رنگ واقعیت به خود گرفته باشد شعارگونه و ایدئولوژیک مطرح شده است. هم بدان دلیل است که در تجربه‌های کنشگران سازمانی، در این پژوهش معلمان، جنبه شوم مشارکت مردمی نمودی عینی پیدا کرده است و تجربه زیسته معلمان حاکی از دخالت‌های بی‌جا و بی‌سازمان والدین در امور مدرسه است.

از نظر گفتمان حاکم بر صنعت چاپ و نشر مقاله‌ها و متون دانشگاهی نیز می‌توان به تبیین تعارض موجود در پژوهش‌های مشارکت پرداخت. در این زمینه، پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که نگاهی منطقی بر صنعت چاپ و نشر متون و مقاله‌های علمی و دانشگاه حاکم شده است که چنین نگاهی عمدتاً روایتی هموار و به دور از تنش از سازکارهای اجتماعی، سیاسی، و سازمانی ارائه می‌کند و هیچ به رقابت و ناسازگاری‌های بین گروه‌های قدرت و فشار آن‌ها برای تحت تأثیر قرار دادن مکانیسم‌های سازمان نمی‌پردازد. افزون بر آن، پراستقبال‌ترین و پرفروش‌ترین کتاب‌های درسی حوزه مدرسه از نگاه منطقی استفاده کرده‌اند و پویایی‌های سیاسی و جنگ قدرت بین گروه‌های مختلف در مدرسه را نادیده گرفته و حتی درباره آن سکوت کرده‌اند (Mohammadi, 2022).

این سکوت تنها محدود به ارزش‌های انسانی یا برابری اجتماعی نیست؛ بلکه هر آموزه‌ای که با آن گفتمان ایدئولوژیک دربیفتد در متن ناگفته می‌ماند؛ خواه این سکوت مربوط به تفاوت‌های جنسیتی باشد (Blackmore, 2005) خواه تفاوت‌های فرهنگی و قومی (Bates, 2005) خواه روابط سیاست و قدرت (Watkins, 2005). این سکوت تا بدانجا رفته که پژوهش‌های حوزه رهبری اجتماعی و سیاسی نیز بر مفاهیم و آموزه‌هایی مانند رهبری تحول‌آفرین، رهبری توزیع‌شده، و رهبری اثربخش

1. Williams
2. Wintterlin

۳. برگرفته از داده‌های مرکز ویکی‌نیکو در ایران. آدرس سایت:

<https://www.wikiniki.org/site/search?q=%D8%B3%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%86>

متمرکز شده است که همگی تنها بر جنبه‌های مثبت و ساده و روتین نظام آموزشی تمرکز کرده‌اند (Harris & Jones, 2018). هم بدان دلیل است که بخش گسترده‌ای از ادبیات رهبری تغییر نیز بر نظریه رهبری تحول‌آفرین تمرکز کرده است که این نظریه تصویری از یک رهبر رسمی و مقتدر را ترسیم می‌کند؛ رهبری که می‌تواند تغییراتی مثبت و معنی‌دار ایجاد کند (Leithwood & Sun, 2012).

این گزارش‌های خوش‌بینانه در صنعت نشر و چاپ از هر گونه بحث و جدلی درباره جنبه‌های تاریک و شوم سازمان پرهیز می‌کند و این جنبه‌ها همچنان ناگفته و مسکوت باقی می‌مانند (Harris & Jones, 2018). کتاب‌های درسی و دانشگاهی نیز به‌ندرت درباره تأثیرات منفی و زیان‌بار رهبران نظام آموزشی سخن گفته‌اند یا اشتباه‌ها و کج‌کارکردهایشان را نمایان کرده‌اند. در همین زمینه برخی از برآوردها نشان داده‌اند تنها ۵ درصد از پژوهش‌های سازمانی به جنبه‌های منفی و تاریک سازمان‌ها پرداخته‌اند (Vardi & Weitz, 2004). ۸۹ درصد از پژوهش‌های رهبری آموزشی از رویکرد اثبات‌گرایانه منطقی استفاده کرده‌اند (نعمتی و شیربگی، ۱۴۰۱) و ۹۱ درصد پژوهش‌های آموزش عالی نیز از همین روایت منطقی استفاده کرده‌اند (زبردست، ۱۳۹۴). استقبال از کتاب‌های درسی که با نگاه منطقی نگاشته شده‌اند محدود به مدیریت مدرسه در ایران نیست بلکه پژوهش‌های جهانی نشان داده است که چنین نگاهی سیطره گسترده‌ای بر مدیریت آموزشی پیدا کرده است. از دیگر سو، پژوهش‌های حوزه مدیریت مدرسه نیز عملاً پیش‌فرض‌های نگاه منطقی را پذیرفته‌اند و بر آن اساس به پژوهش درباره موضوعات مختلف پرداخته‌اند. این مسئله تا بدانجا رفته است که پژوهش‌های رهبری مدرسه نیز نشان داده‌اند به‌رغم پیشرفت‌هایی که در حوزه مفهوم رهبری ایجاد شده است ۸۹ درصد از پژوهش‌های رهبری آموزشی از روش‌های کمی و اثبات‌گرایانه منطقی استفاده کرده‌اند (نعمتی و شیربگی، ۱۴۰۱).

منابع

- Ahmadi, Y., Mohammadi, A., & Khaldian, M. (2016). Social-cultural components and community participation in policing. *Social Order*, 9(2), 129-150. (in Persian)
- Anabestani, A. A., Shayan, H., & Taghilo, A. A. (2012). Demographic characteristics affecting the level of rural participation in the development process: A case study of Ijrud County. *New Perspectives in Human Geography*, 4(3), 19-37. (in Persian)
- Bahoush, V., & Shahini Soq, F. (2018). How to properly encourage public participation in the health sector. *Behvarz Quarterly*, 29 (99), 2-4. (in Persian)
- Bates, Ch. (2005). *Leadership and the Rationalization of Society*. In Smyth, J. (Eds). Critical perspectives on educational leadership. (88-106). New York & London: Routledgeflamer.
- Baycan, T. & Oner, O. (2023). The dark side of social capital: a contextual perspective. *The Annala of Regional Science*, 70(3), 779-798.
- Beyat, B. & Piri, F. (2020). Environmental studies: The role of public participation in national public security. *Journal of Protective and Security Research*, 9(23), 89-108. (in Persian)
- Blackmore, J. (2005). *Educational Leadership: A Feminist Critique and Reconstruction*. In Smyth, J. (Eds). Critical perspectives on educational leadership. (63-88). New York & London: Routledgeflamer.
- Cecchi, S. (2022). The “Dark Side” of Community Social Work: An Instrument of Control or a Promoter of Citizen Participation? Reflections on the Results of a Research Project. *Italian Sociological Review*, 12(1), 119-139.
- Creswell J. W. (2007). *Qualitative inquiry and research design: choosing among five approaches*. (Second edition). Sage Publications London: New Delhi.
- (2015). *Educational research: planning, conducting and evaluating quantitative and qualitative research*. Fifth edition. Pearson. Boston.
- Deb, S., Strodl, E., & Sun, H. (2015). Academic stress, parental pressure, anxiety, and mental health among Indian high school students. *International Journal of Psychology and Behavioral Science*, 5(1), 26-34.
- Ghaderzadeh, O. & Rostamizadeh, S. (2022). Cultural foundations of power exercise in school. *Cultural Sociology*, 13(1), 73-104. (in Persian)
- Gholami, Y., Saghafi, M., & Heidari, M. (2018). The impact of socio-economic factors on citizen participation with emphasis on household waste management: A case study of Gorgan city. *Journal of Geographical Planning of Space*, 8(30), 149-158. (in Persian)
- Giddens, A. (2008). *The third way: the renewal of social democracy*. Printed in Great Britain by T. J. International, Padstow, Cornwall.
- Harris, A. & Jones, M. (2018). The dark side of leadership and management. *School Leadership & Management*, 38:5, 475-477.
- Hendiani, A. & Vatankhah, H. (2020). Analysis of police challenges for public information participation to increase social security. *Journal of Order and Security Research*, 13(1), 91-114. (in Persian)
- Jamali, M., Nesayian, Z., Khak, E., & Rafiei, J. (2018). Examining the necessity of the parent-teacher relationship in elementary schools of Gonabad County. *Proceedings of the Fifth International Conference on Psychology, Educational Sciences, and Lifestyle, Qazvin*. (in Persian)
- Kelchtermans, G. & Vanassche, E. (2017). Micropolitics in the education of teachers: Power, negotiation, and professional development. *The Sage handbook of research on teacher education*, 441-456.
- Khorasgani, R., Varasteh, H., & Akhavan Mahdavi, M. (2014). Investigating the role and position of ICT in citizen participation in urban management: A case study of Isfahan. *Geography and Planning*, 18(48), 149-176. (in Persian)
- Khoshfar, G. & Jandaghi Mirmohaleh, F. (2017). Media consumption and political participation: A study of Gorgan citizens. *Journal of Social-Cultural Development Studies*, 5(4), 105-128. (in Persian)
- Leithwood, K. & Sun, J. (2012). The Nature and Effects of Transformational School leadership: A Meta-Analytic Review of Unpublished Research. *Educational Administration Quarterly*, 48(3), 387-423.
- Lubuva, J. M. (2013). Parental Involvement in the Management of School Programmes: A Case of PEDP in Temeke Municipality (Doctoral dissertation, The Open University of Tanzania).
- Lutz, C. & Hoffmann, C. P. (2017). The dark side of online participation: exploring non-, passive, and negative participation. *Information, Communication & Society*, 20(6), 876-897.
- McMahon, S. D., Reaves, S., McConnell, E. A., Peist, E., Ruiz, L., APA Task Force on Classroom Violence Directed Against Teachers, ... & Brown, V. (2017). The ecology of teachers' experiences with violence and lack of administrative support. *American Journal of Community Psychology*, 60(3-4), 502-515.
- Mohammadi Puya, S., Adib, Y., & Zarei, A. (2020). Appropriate strategies for increasing the connection between home, school, and community; reflections on global experiences. *School Management*, 8(3), 370-36. (in Persian)

- Mohammadi, S. (2024). Examining strategies to increase the participation of public movements (middle circles) in the field of literacy goals and programs in Semnan Province. Semnan Province Education Plan. (in Persian)
- Mohammadi, Sh. (2022). The unspoken side of academic textbooks on school management. *Journal of School Administration*, 10(1), 141-160.
- Nematy, S. & Shirbeigi, N. (2022). Representation of the concept of "educational leadership" in articles published in educational science journals. *Educational Sciences*, 6(29), 21-240. (in Persian)
- Norooznejad Ghaderi, M., Seraji, F., & Yousefzadeh Chosari, M. R. (2019). Parents' and principals' perception of parental involvement in school affairs. *Theory and Practice in Curriculum*, 7(14), 319-356. (in Persian)
- Quandt, T. (2018). Dark Participation. *Media and Communication*, 6(4), 36-48.
- Serrat, R., Chacur-Kiss, K., & Villar, F. (2021). Breaking the win-win narrative: The dark side of older people's political participation. *Journal of Aging Studies*, 56, Article 100911. <https://doi.org/10.1016/j.jaging.2021.100911>.
- Sklirou, S. & Papakonstantinou, A. A. (2023). Impact of Parental Aggression on Primary School Teachers' Everyday School Life and Well-being. *European Journal of Education and Pedagogy*, 4(4), 72-79.
- Tobin, B. (2017). Understanding the direct involvement of parents in policy development and school activities in a primary school. *International Journal for Transformative Research*, 4(1), 25-33.
- Turnhout, E., Metze, T., Wyborn, C., Klenk, N., & Louder, E. (2020). The politics of co-production: participation, power, and transformation. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 42, 15-21.
- Vardi, Y. & Weitz, E. (2004). *Misbehavior in organizations: theory, research, and management*. Mahwah, New Jersey, and London: Lawrence Erlbaum Associates.
- Villalonga-Olives, E. & Kawachi, I. (2017). The dark side of social capital: A systematic review of the negative health effects of social capital. *Social Science & Medicine*, 194, 105-127.
- Watkins, P. (2005). *Leadership, Power, and Symbols in Educational Administration*. In Smyth, J. (Eds). Critical perspectives on educational leadership. (7-27). New York & London: Routledgeflamer.
- Williams, O., Sarre, S., Papoulias, S. C., Knowles, S., Robert, G., Beresford, P., ... & Palmer, V. J. (2020). Lost in the shadows: reflections on the dark side of co-production. *Health Research Policy and Systems*, 18(1).
- Winterlin, F., Schatto-Eckrodt, T., Frischlich, L., Boberg, S., & Quandt, T. (2020). How to Cope with Dark Participation: Moderation Practices in German Newsrooms. *Digital Journalism*, 1-21.
- Zabardast, M. A. (2015). Research paradigms in studies related to organization and management of higher education system: An analysis of articles in the quarterly journal of research and planning in higher education. *Iranian Higher Education*, 4(28), 64-104. (in Persian)